

## انسانیت کهنه و انسانیت تازه

<sup>17</sup> پس این را می‌گویم و در خداوند شهادت می‌دهم که شما دیگر رفتار ننمایید، چنانکه اُمّت‌ها در بطالتِ ذهن خود رفتار می‌نمایند.<sup>18</sup> که در عقل خود تاریک هستند و از حیات خدا محروم، به سبب جهالتی که بجهت سخت‌دلی ایشان در ایشان است.<sup>19</sup> که بی‌فکر شده، خود را به فجور تسلیم کرده‌اند تا هر قسم ناپاکی را به حرص به عمل آورند.<sup>20</sup> لیکن شما مسیح را به این‌طور نیاموخته‌اید.<sup>21</sup> هرگاه او را شنیده‌اید و در او تعلیم یافته‌اید، به نهجی که راستی در عیسی است.<sup>22</sup> تا آنکه شما از جهت رفتار گذشته خود، انسانیت کهنه را که از شهوات فریبده فاسد می‌گردد، از خود بیرون کنید.<sup>23</sup> و به روح ذهن خود تازه شوید.<sup>24</sup> و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدّوسیت حقیقی آفریده شده است بپوشید.

<sup>25</sup> لهذا دروغ را ترک کرده، هرکس با همسایه خود راست بگوید، زیرا که ما اعضای یکدیگریم.<sup>26</sup> خشم گیرید و گناه مورزید؛ خورشید بر غیظ شما غروب نکند.<sup>27</sup> ابلیس را مجال ندهید.<sup>28</sup> دزد دیگر دزدی نکند، بلکه به دستهای خود کار نیکو کرده، زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد.<sup>29</sup> هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند.<sup>30</sup> و روح قدّوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید.<sup>31</sup> و هر قسم تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خیانت را از خود دور کنید،<sup>32</sup> و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است.

## اتحاد در جسد مسیح

<sup>1</sup> لهذا من که در خداوند اسیر می‌باشم، از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده‌اید، رفتار کنید،<sup>2</sup> با کمال فروتنی و تواضع و حلم، و متحمّل یکدیگر در محبت باشید؛<sup>3</sup> و سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید.<sup>4</sup> یک جسد هست و یک روح، چنانکه نیز دعوت شده‌اید در یک امید دعوت خویش.<sup>5</sup> یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛<sup>6</sup> یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شما است.<sup>7</sup> لیکن هریکی از ما را فیض بخشیده شد بحسب اندازه بخشش مسیح.<sup>8</sup> بنابراین می‌گوید: چون او به اعلیٰ علیین صعود نمود، اسیری را به اسیری برد و بخششها به مردم داد.<sup>9</sup> اما این صعود نمود، چیست؟ جز اینکه اوّل نزول هم کرد به اسفل زمین.<sup>10</sup> آنکه نزول نمود، همان است که صعود نیز کرد بالاتر از جمیع افلاک تا همه چیزها را پُر کند.<sup>11</sup> و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشّرين و بعضی شبانان و معلّمان را،<sup>12</sup> برای تکمیل مقدّسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح،<sup>13</sup> تا همه به یگانگی ایمان و معرفتِ تامِ پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پُری مسیح برسیم.<sup>14</sup> تا بعد از این اطفال مُتِمّوّج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان در حیل‌اندیشی برای مکرهای گمراهی؛<sup>15</sup> بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیز ترقّی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح؛<sup>16</sup> که از او تمام بدن مرکّب و مرتّب گشته، به مدد هر مفصلی و برحسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نمو می‌دهد برای بنای خویشتن در محبت.